# دفاع خون‌شریکان از ایران

## گزارشی از نشست نقد و بررسی کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون»

«این کتاب حاصل پیوند و همدلی ۲ ملت ایران و افغانستان و سند اثبات برادری و یگانگی تاریخی ۲ ملت است. ۲۷۰ قطعه تصویر از حضور رزمندگان افغانستانی در ایام جنگ تحمیلی و بیان بسیاری از خاطرات سوزناک شهیدان و رزمندگان و اسیران افغانستانی ایام جنگ تحمیلی در این کتاب ثبت شده است. من این مسیر سخت را شروع کردم ولی مطمئنا این پایان کار نیست. اکنون همه هنرمندان و تاریخ‌نگاران و اهل فن و هنر وظیفه دارند با اقتباس از این خاطرات، این برادری و همدلی و خون‌شریکی را به اثبات برسانند.»

این بخشی از صحبت‌های محمدسرور رجایی، نویسنده و شاعر افغانستانی ساکن ایران و مؤلف کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون»، بود که در نشست نقد و بررسی این اثر بیان کرد. نشست یادشده بعدازظهر دوشنبه، سوم تیرماه، با حضور شماری از اهالی فرهنگ، خانواده‌های شهدا، ایثارگران و رزمندگان دفاع مقدس، و تنی چند از مسئولان استانی، در کتابخانه عمومی شهدای مدافع حرم مشهد برگزار شد. بحث محوری‌ای که ضمن تحلیل و بررسی کتاب صورت گرفت مبتنی بر موضوع نقش ایثارگران و رزمندگان افغانستانی در ۸ سال دفاع مقدس بود.

### بیش از ۳۰۰۰ شهید دفاع مقدس افغانستانی بودند

در این برنامه، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی ضمن گرامیداشت یاد و نام شهیدان انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مدافع حرم گفت: دوره دفاع مقدس دوران شگفت‌انگیزی از اتفاقات و معجزاتی بود که به خلق حماسه هشت‌ساله‌ای به نام دفاع مقدس انجامید. یکی از این معجزات تجلی پیام معیار و معمار انقلاب بود که فرمودند اسلام مرز ندارد.

حجت‌الاسلام علی‌اکبر سبزیان تصریح کرد: در جریان دفاع مقدس، وقتی مردم متوجه شدند اسلام در خطر افتاده است، همه اقوام و قبیله‌ها و گروه‌ها و برادران ما از افغانستان و لبنان و حتی عراق در جبهه‌ها حضور پیدا کردند و از مرز عقیده و کیان و اسلام دفاع کردند و ثابت کردند وقتی پای ایمان و اسلام درمیان باشد، هیچ مرزی وجود ندارد و به‌واقع این حضور و مجاهدت اثبات همین فرمایش حضرت امام(ره) بود.

او با اشاره به افغانستانی بودن بیش از ۳۰۰۰ شهید دفاع مقدس افزود: در میان آن‌ها طلبه و معلم و کارگر و دانشجو حضور دارند و در ایام دفاع مقدس در قالب تیپ ابوذر و امروز در جمع تیپ فاطمیون به دفاع از حریم اهل بیت(ع) پرداخته‌اند.

### با اقتباس، این برادری را اثبات کنیم

نویسنده کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» انگیزه خود از جمع‌آوری و ثبت خاطرات شهدای افغانستانی دفاع مقدس را این‌گونه توضیح داد: من کتاب‌های بسیاری از ادبیات ایران و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مطالعه کرده ولی در هیچ جایی از این کتاب‌ها و ادبیات دفاع مقدس یادی از شهیدان و ایثارگران و اسیران افغانستانی دفاع مقدس ندیده بودم. پس از مسافرت‌های زیاد و دشوار به نقاط مختلف ایران و افغانستان، متوجه شدم بسیاری از این خاطرات در ایام حکومت طالبان در افغانستان به سبب ترس مردم از آن‌ها نابود شده است. این کتاب حاصل بیش از ۱۰ سال فعالیت من در جمع‌آوری و تدوین خاطرات رزمندگان افغانستانی دوره دفاع مقدس است.

محمدسرور رجایی خاطرنشان کرد: این کتاب حاصل پیوند و همدلی ۲ ملت ایران و افغانستان و سند اثبات برادری و یگانگی تاریخی ۲ ملت است. ۲۷۰ قطعه تصویر از حضور رزمندگان افغانستانی در ایام جنگ تحمیلی و بیان بسیاری از خاطرات سوزناک شهیدان و رزمندگان و اسیران افغانستانی ایام جنگ تحمیلی در این کتاب ثبت شده است. من این مسیر سخت را شروع کردم ولی مطمئنا این پایان کار نیست. اکنون همه هنرمندان و تاریخ‌نگاران و اهل فن و هنر وظیفه دارند با اقتباس از این خاطرات، این برادری و همدلی و خون‌شریکی را به اثبات برسانند.

### مسئولان نباید زمان را از دست بدهند

صحبت‌های محمدکاظم کاظمی، شاعر و نویسنده و پژوهشگر مهاجر ساکن مشهد، از دیگر بخش‌های این نشست بود. او با تأکید بر ارزش خاطره‌نگاری در حوزه دفاع مقدس و جلوه‌های نظری آن در ثبت و نگهداشت میراث فرهنگی و ارتباطی و ارزش‌های مجاهدت، گفت: تمامی آثار و مطالبی که از وقایع تاریخی مانند جنگ تحمیلی در قالب کتاب و رمان و فیلم و آثار هنری تولید می‌شود از منابعی چون خاطرات حاضران در واقعه بهره می‌برد. با این حال، متأسفانه ثبت خاطرات در کشور افغانستان جدی گرفته نشده است، حال آنکه این کشور در طول سال‌های گذشته، حوادث تاریخی مهم و تأثیرگذاری مانند جنگ با روس‌ها و دولت کمونیستی را از سر گذرانده است.

کاظمی ثبت خاطرات رزمندگان افغانستانی حاضر در دوران دفاع مقدس را حلقه مفقوده ارتباط تاریخی و خون‌شریکی ۲ ملت ایران و افغانستان دانست و افزود: در دهه ۷۰ بخش کوچکی از این خاطرات را محمدحسین جعفریان جمع‌آوری کرد و اکنون با کار ارزشمند محمدسرور رجایی، گوشه‌ای دیگر از این خاطرات گردآوری شده است.

منتقد جلسه برخی مصلحت‌اندیشی‌ها در نزد رزمندگان، فوت یا شهادت آن‌ها، فراموشی و تمایل نداشتن به بیان مطالب به سبب مسائل امنیتی را ازجمله مشکلات گردآوری خاطرات رزمندگان پس از گذشت سال‌های زیاد از پایان جنگ برشمرد.

او تأکید کرد: خون‌شریکی و مجاهدت‌ها و علاقه مردم افغانستان به دفاع از اسلام و عقیده پنهان‌شدنی نیست و باید با شجاعت بیان شود.

این نویسنده در بخشی از سخنانش نثر روان و زیبا و شفاف کتاب، بیان داستان آشنایی نویسنده با رزمندگان و چگونگی بیان خاطرات و شرح خاطرات جنگ‌های افغانستان با روس‌ها و کمونیست‌ها را از ویژگی‌های مثبت کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» دانست.

او اظهار کرد: با توجه به حساسیت زمانی کنونی و حوادث تاریخی‌ای چون مبارزه با داعش و مجاهدت‌های شهیدان مدافع حرم ایرانی و افغانستانی، دیگر جایز نیست زمان را از دست بدهیم، و مسئولان امر باید به‌سرعت برای ثبت و گردآوری خاطرات اقدام کنند.

### دشمن نمی‌خواهد تجربه انقلاب ایران در افغانستان تکرار شود

در این نشست، برخی مسئولان استانی نیز حضور یافتند و سخنانی را مطرح کردند. حیدر خوش‌نیت، سرپرست معاونت استانداری و فرماندار مشهد، نقد و بررسی کتاب مدنظر را بیان هم‌بستگی و همدلی ۲ ملت ایران و افغانستان در طول تاریخ و ۴۰ سال انقلاب اسلامی وصف کرد.

همچنین سید علی قاسمی، مدیرکل اتباع استانداری خراسان رضوی، حضور مردم افغانستان در ایران و همدلی و هم‌بستگی ایشان را فراتر از دوره دفاع مقدس یا حضور در سوریه خواند و یادآور شد مردم این کشور در ایام پیروزی انقلاب اسلامی هم در راهپیمایی‌ها و مبارزات علیه رژیم طاغوت حضور مؤثری داشته‌اند. او با اشاره به حساسیت دوران گذاری که مردم افغانستان پشت‌سر می‌گذارند، از مخالفت دشمن با تکرار تجربه تاریخی انقلاب اسلامی ایران در افغانستان گفت.

پایان‌بخش این برنامه که به همت اداره‌کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی برگزار شد، تقدیر از محمدسرور رجایی و محمدکاظم کاظمی، و جشن امضای کتاب بود.

**محسن ثلاثی، مترجم علوم انسانی: اصولا پیام ادیان جهانی‌تر و منطبق با معیارهایی فراتر از سوسیالیسم و سرمایه‌داری و مناسبات بشری است. به عبارت دیگر، ادیان مرزهای مناسبات اجتماعی بشری را درمی‌نوردند و اساسا برای این ساخته شده‌اند که فاصله میان طبقات را از بین ببرند. درضمن، طرف‌دار برابری مطلق آدم‌ها هم نیستند.**

---

# زندگی بر مدار عرفان

## کارنامه دکتر محمدِ جاوید صباغیان از زبان این استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد

گفت‌وگو

دیدار با فرزانگان

**رادمنش|** استاد موسپیدکرده ادبیات فارسی دل‌بسته عرفان است و ۴۰ سال تدریس در دانشگاه، طی طریقی بوده است در این راه. برای بیان چگونگی این دلدادگی نقبی می‌زند به ۶۱ سال پیش، زمانی که نوجوانی دوازده‌ساله بود. دکتر محمد جاوید صباغیان، استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد، ازشخصیت‌های ادبی شهر است که برای آشنایی بیشتر با او، نزدیک یک ساعت میزبان کلامش می‌شویم. شمرده و آرام صحبت می‌کند و سررشته سخن از دستش به در نمی‌رود؛ همین باعث یکپارچگی حرف‌هایش می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید، مروری کوتاه است بر زندگی این استاد ادبیات از زبان خودش.

### منبری که سرنوشتم را تغییر داد

فروردین ۱۳۲۵ در مشهد متولد شدم. از دوران کودکی و نوجوانی جاذبه‌های معنوی برای من خیلی جذاب‌تر از جاذبه‌های مادی بود. تابستان سال ۱۳۳۷ مرحوم علامه امینی، صاحب کتاب عظیم‌الشأن «الغدیر»، به مشهد آمدند و ۱۰ شب در مدرسه نواب در نزدیکی حرم مطهر منبر رفتند. مدرسه نواب همواره پایگاه علمی بالایی داشته است. من آن ۱۰ شب را به همراه پدرم در آن مراسم شرکت کردم و تا پیش از انقلاب منبری به ازدحام منبر علامه امینی ندیدم. پای این منبر مردم از اقشار مختلف شرکت می‌کردند. از مراجع تقلید آن زمان مانند آیت‌ا... میلانی و آیت‌ا... سبزواری و مدرسان بزرگ حوزه آن زمان مانند آیت‌ا... مدرس یزدی معروف به «نهنگ‌العلما»، آیت‌ا... مروارید و مرحوم میرزا جوادآقا تهرانی بگیرید تا شخصیت‌های معروف بازار و آموزش و پرورش. در آن شب‌ها سرنوشت من عوض شد و تصمیم گرفتم به رغم اینکه تا آن زمان هر سال شاگرد اول مدرسه می‌شدم، آن را رها کنم و به حوزه بروم. جاذبه کلام علامه امینی بر کودک دوازده‌سیزده‌ساله‌ای که من بودم خیلی اثر گذاشت. ۲ سالی به مدرسه نواب و به مدرسه سلیمان‌خان رفتم که بعد از نواب، از حوزه‌های شاخص مشهد بود. بعدها تغییر روش دادم؛ یعنی ذهنیتم همان جنبه‌های مذهبی و معرفتی را داشت، ولی فکر کردم اگر وارد تحصیلات جدید شوم و دیپلم بگیرم و بعد به دانشگاه بروم و پس از آن استاد دانشگاه شوم، در آینده می‌توانم معلم مؤثرتری در مسائل اعتقادی بشوم. این بود که به مدرسه برگشتم و دیپلم ریاضی گرفتم که بعدها دستم برای انتخاب هر رشته‌ای در دانشگاه باز باشد.

### برای رشته ادبیات دل یک‌دله کردم

برای کنکور، دل را یک‌دله کردم و در رشته ادبیات دانشگاه مشهد آن زمان که دانشگاه فردوسی امروز است قبول شدم. دوره کارشناسی از ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۹ طول کشید. بعد به خدمت سربازی رفتم. بعد از آن هم یک سال دبیر آموزش و پرورش شدم و در فردوس خدمت کردم. در ادامه، کارشناسی ارشد و بعد دکتری در دانشگاه تهران قبول شدم. بهمن ۱۳۵۸ به دانشگاه فردوسی آمدم و امتحان عضویت در هیئت علمی را دادم که الان هم معمول است. من در ۲ امتحان بسیار سخت‌گیرانه کتبی و مصاحبه پذیرفته شدم و از همان زمان تا سال ۱۳۸۲ به تدریس در دانشگاه فردوسی پرداختم.

### یادی از استادان

جا دارد از برخی استادانم نام ببرم که در داخل کشور یا در خارج از کشور شناخته‌شده هستند. استاد غلامحسین یوسفی، استاد احمدعلی رجایی بخارایی، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر سید جعفر سجادی، دکتر سید ضیاءالدین سجادی، دکتر محمد دبیرسیاقی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر سید حسن سادات ناصری و دیگرانی بودند که من بهره‌مندی‌های زیادی از آن‌ها بردم. آمادگی‌های شخصی و مطالعات شخصی خودم هم بود. استاد خیلی مهم است ولی لزوما داشتن استاد خوب کفایت نمی‌کند که دانشجویی بتواند خوب بهره‌مند شود. باید ۲ کفه ترازو برقرار باشد: یک کفه که می‌شود استاد خوب و کفه دیگر هم تلاش خود دانشجوست.

### رشد کمی، تنزل کیفی

پیشرفت‌های تکنولوژیک علمی هرچه بیشتر می‌شود، هضم غذای علم آسان‌تر می‌شود. اما علم را باید طوری آموخت که دزد نتواند از انسان بزند. الان پیشرفت تکنیک و اینترنت و تارنماهای علمی مقداری باعث تنبلی شده است. دانشجو با زدن چند دکمه، به تمام اطلاعات در بحث مورد نظر دست پیدا می‌کند. این دسترسی از لحاظ اغتنام فرصت عمر خیلی خوب است، اما از لحاظ عمق یاد گرفتن اثر خوبی ندارد، مگر فقط برای کسانی که خودشان دنبال عمق هستند. دانشجویان ما الان یک مقدار عادت به پخته‌خواری کرده‌اند. منظورم این نیست که استفاده از اینترنت بد است، اما نباید منحصر بمانند به این‌ها و مانع پیشرفت و مانع تلاششان شود. الان وضع تحصیل از زمان دانشجویی ما و سال‌های اول استادی ما بهتر است، ولی به لحاظ عمق مطالعه، کمتر در سینه دارند و بیشتر باید به یادداشت‌هایشان مراجعه کنند. به لحاظ جمعیت تحصیل‌کنندگان و تعداد دانشگاه‌ها نه‌تنها قبل از انقلاب که اوایل انقلاب هم با الان قابل مقایسه نیست، ولی در مورد دانشجویان نمی‌توانم بگویم دانشجویان الان از دانشجویان ۲۰ یا ۳۰ سال پیش علاقه‌مندتر شده‌اند. شاید به لحاظ همان پخته‌خواری که عرض کردم باشد. مسائل اجتماعی مانند استخدام و کاربرد بیرونی هم می‌تواند در این قضیه مؤثر باشد.

### متون عرفانی تدریس می‌کردم

درس‌های من بیشتر به دلیل همان پیشینه‌ای که گفتم در حوزه معرفتی و عرفانی بود. مثلا من دستور زبان فارسی درس نمی‌دادم. آیین نگارش یک ترم درس دادم. علوم بلاغی و معانی و بیان را نمی‌گرفتم. درس‌هایی که می‌گرفتم «گلستان» و «بوستان» و غزلیات سعدی بود. بعد از آن خاقانی بود و بعد بیشتر «حدیقه‌الحقیقه» سنایی درس می‌دادم، مثنوی و حافظ و مبانی عرفان و تصوف درس می‌دادم. برهه‌ای هم «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری و همه این‌ها درس‌های عرفانی است. برای دوره کارشناسی ارشد فقط مثنوی درس می‌دادم. برای دوره دکتری معمولا ۲ تا درس داشتم. قبل از بازنشستگی تحلیل در متون نظم فارسی و بعد از مدتی تحلیل در متون عرفانی و بعد از بازنشستگی هم تحلیل در متون حکمی و عرفانی تدریس می‌کردم.

مقالاتی هم که تألیف کردم باز بیشتر در مسائل قرآنی و مباحث عرفانی بود. پایان‌نامه‌هایی هم که دانشجویان من در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری با من می‌گذراندند بیشتر عرفانی بود. مثلا راجع به شاعران عارف یا مباحث مربوط به آنان بود. همچنین در طول دوران کاری سفرهایی علمی در داخل و خارج از کشور داشته‌ام. این سفرها به دانشگاه‌های مختلف بود که در دانشگاه‌های داخل بیشتر برای سخنرانی و در دانشگاه‌های خارج از کشور هم برای تدریس و سخنرانی بود. علاوه بر تدریس، کارهای اجرایی هم داشته‌ام. ۲ سال رئیس دوره شبانه دانشگاه فردوسی بودم، ۳ سال معاون دانشکده ادبیات، ۳ سال سردبیر و ۵ سال مدیر مسئول و حدود ۲۰ سال عضو هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات بودم. ۸ سال هم به عنوان مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات فعالیت و خدمت کردم.

### از پا ننشستن پس از بازنشستگی

از وقتی بازنشسته شدم، تا سال گذشته در مقطع دکتری در دانشگاه فردوسی تدریس می‌کردم. علاوه بر آن از بعد از بازنشستگی با دانشگاه خیام همکاری می‌کنم. نزدیک ۳ سال هم در دانشکده علوم قرآنی، تاریخ ترجمه‌های قرآن درس می‌دادم. الان هم علاوه بر مطالعه‌ای که برای تدریس در دانشگاه دارم که با مطالعه سر کلاس بروم، مقداری هم مطالعات شخصی و قرآنی دارم که این‌ها را برای دل خودم می‌خوانم و البته در کلاس هم استفاده می‌کنم. یکی از دل‌مشغولی‌هایم سرودن است. شعرهایی که می‌گویم برای وقت‌گذرانی نیست و من به این‌ها به شکل باقیات صالحات نگاه می‌کنم؛ یعنی اگر ان‌شاءا... چاپ شود و به دست خوانندگان برسد، ارزشی داشته باشد و عمرشان را ضایع نکند بلکه برعکس، آن‌ها را به تأمل و اغتنام فرصت وابدارد.

### جوشش دوباره شعر و دانشجوی اهل دل

جا دارد خاطره‌ای هم بگویم. درس‌های دکتری دانشجویان کمی دارد. به همین علت، کلاس را در اتاق خودم تشکیل می‌دادم. یادم هست یکی از دانشجویان که از بچه‌های جبهه است، روزی با تعداد دیگری از دانشجویان وارد شد و ایشان در ابتدای ورود اجازه خواست روز ولادت حضرت زینب(س) را تبریک بگوید. در آنجا بی‌درنگ از جمله عارفانه حضرت زینب(س) در مجلس یزید یادم آمد که فرمودند: «[در کربلا] جز زیبایی چیزی ندیدم.» و یک ساعت از کلاس را درباره این جمله عرفانی صحبت کردیم. این موضوع انگیزه‌ای شد برای شعر سرودن منی که قبلا قریحه شاعری داشتم و گهگاه و به‌ندرت شعر می‌سرودم. به خانه آمدم و با حالی که شوریده شده بود دست به قلم بردم و شعری گفتم با عنوان «کربلا و عاشورا در نگاهی دیگر». اول فکر کردم بیست سی بیت بشود، اما بعد شد ۱۴۰ بیت. این اولین شعری بود که بعد از آن دگرگونی به آن پرداختم. یکی از شعرهایم را برای خوانندگان روزنامه شما آماده کرده‌ام با عنوان «حاصل عمر»:

این جهان صفحه‌ای بُوَد خالی
مردمان را بدان بپیمایند
برخی آن را سیاه و زشت کنند
برخی‌اش خوب و خوش بیارایند
گوهر عمر خویش را برخی
دم به دم غافلانه می‌سایند
برخی در صید هر دمی از عمر
هوشیارند و سخت می‌پایند
تا سرانجام در جهان دگر
هر که را «نقش» خود چو بنمایند
جمعی از نفع خویش خشنودند
جمعی انگشت غبن می‌خایند
ای خوشا «وقت» و «حال» آنان که
هم به کردار خویش بینایند
هم ز رفتار خویش آگاه‌اند
هم به گفتار خویش دانایند
بخت یاران پاک امروزند
نیک‌بختان شاد فردایند
این کسان «جانشینی» حق را
در زمین می‌سزند و می‌شایند

---

## گزارش تصویری از اکران مردمی پردیس سینمایی اطلس

رپرتاژ

# حضور پرشور مشهدی‌ها در اکران فیلم «سرخ‌پوست» در سینما اطلس

دوشنبه شب سوم تیر و در اولین روزهای تابستان، پردیس سینمایی اطلس، میزبان جمع بی‌شماری از علاقه‌مندان و سینمادوستان و طرفداران نوید محمدزاده و فیلم «سرخ‌پوست» بود که برای مراسم اکران مردمی این فیلم سینمایی به کارگردانی نیما جاویدی با حضور خود کارگردان، مجید مطلبی، تهیه‌کننده و نوید محمدزاده، بازیگر فیلم، در پردیس سینمایی اطلس حضور یافته بودند.

«سرخ‌پوست» دومین ساخته سینمایی جاویدی است که به جز نوید محمدزاده، پریناز ایزدیار، ستاره پسیانی، حبیب رضایی، آتیلا پسیانی و مانی حقیقی در آن بازی می‌کنند. این فیلم که برخلاف ساخته قبلی جاویدی، داستانی معمایی و پلیسی را روایت می‌کند، موفق شد در سی‌وهفتمین جشنواره ملی فیلم فجر، جایزه ویژه هیئت داوران را به‌دست بیاورد.

جاویدی در اثر دوم خود «سرخ‌پوست» نیز به‌سراغ یک موضوع اخلاقی رفته است و این بار با ساختاری منسجم‌تر و خط روایی یک‌دست‌تری، داستان خود را تعریف می‌کند. رئیس زندانی در دهه ۴۰ قرار است ترفیع بگیرد و رئیس شهربانی شود.(کاراکتری به‌ظاهر جدی، مصمم و بدون انعطاف). در روزی که باید زندان را تخلیه کنند و به ساختمان جدید بروند، یک زندانی (احمد سیف که زندانیان او را سرخ‌پوست صدا می‌زنند)، فرار می‌کند و سرگرد را در مخمصه‌ای می‌اندازد که تا پایان در تعقیب و گریزی نفسگیر، موجب استحاله شخصیت او می‌گردد.

قهرمان فیلم دوم جاویدی، نعمت جاهد، با بازی خوب نوید محمدزاده، رئیس زندان و سرگرد به‌ظاهر بداخلاقی است که قرار است در طول فیلم و در پی اتفاقاتی که برایش می‌افتد، آرام‌آرام به اعماق درون خود سرک بکشد و از میان لایه‌های تودرتوی ذهن ناآرام و مشوش خود، وجدان به‌خواب‌رفته‌اش را بیدار کند.

نوید محمدزاده، نیما جاویدی و مجید مطلبی درمیان خیل عظیم طرفداران خود و با هماهنگی و نظم مثال‌زدنی کارکنان تشریفات پردیس سینمایی اطلس به این سینما آمدند و پس از استراحتی کوتاه و پذیرایی‌ای که از آن‌ها در سالن وی‌آی‌پی صورت گرفت، به ترتیب به سالن‌های ۲، ۵ و ۷ این پردیس سینمایی رفتند و با طرفداران خود گپ‌وگفت مختصری زدند. پس از آن نوید محمدزاده با متانت و صبر و لبخندی که همواره سعی می‌کرد گوشه لب داشته باشد، دربین تشویق‌های پرهیجان مردم به عکس گرفتن با هواداران و دوستداران خود پرداخت و شبی خاطره‌انگیز را برای آنان رقم زد.

به جرئت می‌توان گفت برپایی چنین مراسمی با این حجم از استقبال مردمی، کار بسیار دشواری است، اما کارکنان حرفه‌ای پردیس سینمایی اطلس بار دیگر ثابت کردند که توانایی و تخصص برگزاری چنین نشست‌ها و اکران‌های مردمی را به‌خوبی دارند و می‌توانند مراسم را با وجود دشواری بسیار، در کمال نظم و مطلوبیت برگزار کنند که هم رضایت مردم و طرفداران را جلب کند و هم موجب اذیت و خستگی میهمانان خود نشود.

از دیگر نکات بارز و درخور توجه اکران مردمی «سرخ‌پوست»، حضور اقشار مختلف جامعه با سنین گوناگون بود. با نظرسنجی‌ای که از طرفداران این فیلم صورت گرفت، همگی به این موضوع اشاره کردند که این فیلم ورای چهارچوب‌های متداول سینمای ایران که متاسفانه رو به افول رفته، به‌خوبی توانسته است با تماشاگر ارتباط برقرار کرده، داستان خود را به‌درستی تعریف کند و همچنین حضور نوید محمدزاده را یکی از قوت‌های این فیلم برشمردند که بدون این بازیگر، شاید به موفقیت امروز خود نمی‌رسید.

تماشای ذوق و هیجان سرشار طرفداران نوید محمدزاده از جوان تا کهنسال از دیگر اتفاقات دیدنی این مراسم بود که ساعت‌ها برای دیدن و عکس و امضا گرفتن با هنرمند محبوبشان در صف ایستاده بودند و در تمام طول مراسم نیز این بازیگر توانمند سینمای ایران را تشویق می‌کردند. مراسم اکران مردمی «سرخ‌پوست» با پذیرایی و نشست کوتاهی در سالن وی‌آی‌پی پردیس سینمایی اطلس در ساعات پایانی شب به پایان رسید.

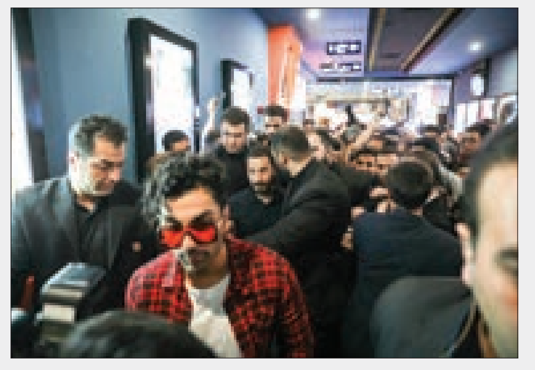

---

# توجه به همه سلایق سرلوحه فعالیت‌های فرهنگی شورا

## اظهارات رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر در جمع اهالی رسانه

عکس: محمد طاقی | شهرآرا

گزارش روز

**گروه فرهنگ و هنر|** نشست خبری احسان اصولی، رئیس کمسیون فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه شورای اسلامی شهر، در اتاق جلسات شورا صبح دیروز با حضور خبرنگاران برگزار شد و او در این جلسه درباره موضوعاتی از قبیل راه‌اندازی پردیس تئاتر، راه‌اندازی خانه ادبیات، روز ملی مشهد و... سخن گفت. اصولی در ابتدا پیش از پاسخ به سؤالات خبرنگاران حاضر در نشست از رویکرد کمیسیون فرهنگی شورای شهر پنجم گفت: در این مدت تلاش کردیم علایق و سلایق مختلف را -حتی سلایق آن‌هایی که منتقد سیاست‌های شورا به حساب می‌آیند- در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران در تصمیم‌گیری‌های شورا در نظر داشته باشیم. رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی شورای اسلامی شهر مشهد در ادامه به تلاش‌های شورا برای دستیابی به شهری آرامش‌دهنده اشاره کرد و گفت: کارآمدی فضا و مدیریت شهری در گرو بهره‌مندی از تمام نیروها و ظرفیت‌هاست. باور داریم برای اینکه شهری مطلوب داشته باشیم باید از همه اشخاص و تفکرها بهره‌مند شویم. او ادامه داد: با نگاه حذفی و سیاسی به موضوعات فرهنگی-اجتماعی به هم‌افزایی در جامعه دست پیدا نخواهیم کرد و دستیابی به اهداف با همکاری و استفاده از تمام ظرفیت‌های شهر در بخش‌های مختلف ممکن خواهد شد. جوان‌ترین عضو شورای پنجم بالا بردن تحمل جامعه در برابر فشارها، تحریم‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی را ایجاد نشاط و افزایش امید بیان کرد و گفت: تحرک، نشاط و پویایی در فضای اجتماعی، جامعه ما را به منافع ملی نزدیک می‌کند و این همان چیزی است که رهبر انقلاب هم به آن تأکید می‌کنند. اصولی همچنین از تدوین برنامه عملیاتی سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی‌ای که در شورای اسلامی شهر مشهد تصویب شده است سخن به میان آورد و این برنامه‌ها را هم‌جهت با نشاط معنوی‌ای که به واسطه وجود مضجع منور رضوی در مشهد وجود دارد بیان کرد.

### مشهد، کانون هنرهای شهری ایران

از مهم‌ترین موضوعاتی که در این نشست بیان شد بحث احداث پردیس تئاتر شهر بود. اصولی درباره بودجه این پروژه توضیح داد: بودجه‌ای که در سال ۹۸ برای احداث پردیس تئاتر در نظر گرفته شده، شش‌ونیم میلیارد تومان نقدی و ۱۰ میلیارد تومان هم غیرنقدی است. به گفته او در دهه کرامت شاهد کلنگ‌زنی این مجموعه خواهیم بود و فاز اصلی این پروژه تا پایان سال ۹۹ تکمیل خواهد شد. همچنین براساس گفته‌های رئیس کمسیون فرهنگی با توجه به شاخص‌بندی‌ها در حوزه ترافیک و شهرسازی و فرهنگی، بوستان وفا بیشترین امتیاز را کسب کرده است. اصولی از برگزاری جلساتی با اهالی تئاتر نیز برای بررسی جزئیات بیشتر این طرح در آینده‌ای نزدیک خبر داد. همچنین رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر مشهد با بیان اینکه به دنبال معرفی مشهد به عنوان کانون هنرهای شهری هستیم، گفت: این یکی از رویکردهای ما در حوزه هنر است، چراکه مشهد این ظرفیت و قابلیت را دارد و همواره در برنامه‌هایی همانند طرح استقبال از بهار -که در آن برنامه‌های فرهنگی هنری متنوعی اجرا می‌شود که اصلی‌ترین محور آن‌ها معنویت و حضور حضرت رضا(ع) است- خود را نشان داده است. همواره توجه به نیازها و مطالبات فرهنگی زائرانی که برای زیارت به مشهد می‌آیند هم در کانون تصمیم‌گیری‌های ما بوده است. در بودجه ۹۷ و ۹۸ اعتبارات برای احداث ایستگاه‌های استقبال از زائر دیده شده است. زیرساخت‌ها در حال تکمیل هستند و اکنون برای دهه پایانی صفر اقداماتی مانند ساخت سرویس‌های بهداشتی، حمام و... آغاز شده است.

### نام‌گذاری خیابان‌ها از موضوعات چندوجهی است

خیابان‌ها و معابر نام‌گذاری‌شده توسط شورای شهر هم به نشست خبری احسان اصولی کشیده شدند و او این موضوع را یک مسئله پیچیده و چندوجهی بیان کرد و گفت: مجموعه معابری که برای نام‌گذاری در مشهد وجود دارد محدود است و ساکنان خیابان‌ها تمایلی به تغییر نام ندارند و این مسئله برای اعضای شورا، محترم است و بنا شده است اگر قرار شد نامی از معابر تغییر کند نظرسنجی شود. حذف نام‌های تکراری معابر که برای دستگاه‌های خدمت‌رسان مشکلاتی را نیز ایجاد کرده بود در دستور کار کمیته نام‌گذاری قرار گرفته است. نام‌های تکراری مجموعا ۹۰ معبر را در بر می‌گیرد و حذف آن‌ها یکی از راه‌هایی است که شورای شهر برای نام‌گذاری خیابان‌ها و معابر در نظر دارد که در فرایندی نام تکراری ۳۰ معبر و خیابان تاکنون تغییر یافته است.

### فرصت یک‌ماهه برای راه‌اندازی خانه ادبیات

راه‌اندازی خانه ادبیات دیگر موضوع مطرح‌شده در نشست بود. به گفته او برای خانه ادبیات منزل سید محمود فرخ خراسانی، شاعر برجسته خراسانی، پیشنهاد شده است تا با اقدامات لازم از سوی شهرداری این مجموعه تملک شود. او ادامه داد: براساس نوسانات قیمت ملک و ساختمان، نرخ کارشناسی تعیین شده و مذاکراتی که اتفاق افتاده بود تغییر کرد. ازاین‌رو وراث مرحوم فرخ و شهرداری همچنان در حال تعامل بر سر این موضوع هستند. اما اگر براساس نرخ کارشناسی با خانواده مرحوم فرخ تفاهمی صورت نگیرد، شهرداری مکلف است ظرف مدت یک ماه گزینه جایگزینی برای تأسیس خانه ادبیات پیشنهاد دهد. اصولی همچنین از پی‌گیری‌های حجت‌السلام و المسلمین پژمانفر در مجلس خبر داد و گفت اگر این خانه در مشهد توسط شهرداری تملک شود، قرار است دفتر کانون زبان و ادبیات فارسی در مشهد تأسیس شود و فعالیت خود را آغاز کند. اصولی با بیان اینکه خانه ادبیات زیرمجموعه خانه هنرمندان تعریف خواهد شد از نهایی شدن کارهای ثبت خانه هنرمندان در روزهای گذشته خبر داد.

### اولین بار در ۵۰ سال

احیای بافت توس و آرامگاه فردوسی یکی از فعالیت‌هایی است که در دستور کار شورای پنجم قرار دارد و پیش از این هم شاهد افتتاح بخشی از آن بودیم. رئیس کمسیون فرهنگی، اجتماعی شورای اسلامی شهر مشهد توضیحاتی نیز در این‌باره ارائه کرد: پس از ۵۰ سال برای اولین بار شاهد فعالیت عمرانی در محدوده آرامگاه فردوسی بودیم. در مدت ۴ ماه پروژه جلوخان افتتاح شد و گردشگران شاهد تغییرات مثبت در این منطقه هستند. اصولی ادامه داد: در طرح جامع «پردیس توس»، برنامه‌هایی برای بهسازی آرامگاه فردوسی، کهن دژ، قبرستان سفال‌خان و... برنامه‌ریزی شده است که امیدواریم تا پایان دوره پنجم بخشی از طرح «پردیس توس» و منطقه تاریخی توس اجرایی شود و شاهد تحول در منطقه باشیم. او همچنین اشاره‌ای به بروکراسی حاکم بر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی استان کرد و گفت: تمرکزگرایی آن‌ها و اینکه همه تصمیمات باید در این سازمان در تهران گرفته شود همکاری ما با این ارگان دولتی را زمان‌بر کرده است.

### سوغات ۷ میلیارد تومانی مشهد در جیب چینی‌ها

رئیس کمسیون فرهنگی، اجتماعی شورای اسلامی شهر مشهد توجه به جلوگیری از خروج ارز در بازار سوغات مشهد را یکی دیگر از نقاط مورد توجه شورای شهر بیان و تصریح کرد: تقویت صنایع دستی مشهد و استان خراسان می‌تواند باعث رونق تولید شود و یکی از مزیت‌هایی است که در شهر مشهد و استان وجود دارد. در مشهد، گردش مالی سوغات نزدیک به ۷۰۰۰ میلیارد تومان است که عمده سهم این گردش مالی را کالای چینی می‌برد. وی اضافه کرد: در این حوزه ما چندین نمایشگاه ارائه محصولات صنایع دستی در بخش‌های مختلف داشته‌ایم و عمدتا غرفه‌ها به صورت رایگان در اختیار افرادی که در این حوزه سابقه‌ای دارند قرار گرفته است. در واقع به دنبال این هستیم که فضایی ثابت در شهر مشهد داشته باشیم و سازمان اجتماعی‌فرهنگی در حال بررسی این موضوع است تا مدلی مشابه به پارکینگ پروانه تهران احداث شود و افراد بتوانند صنایع‌دستی‌ای را که بیشتر توسط کارگاه‌ها و مشاغل خانگی تهیه شده است ارائه کنند. اصولی بخش دیگر صحبت‌هایش را به روز ملی مشهد اختصاص داد و ۲ ویژگی برای آن مطرح کرد: روز مشهد نباید تحت‌الشعاع مناسبت دیگری باشد و همچنین روز انتخاب شده باید ریشه و سابقه‌ای داشته باشد تا در این روز روح لازم را جاری کند. او افزود: روز ورود امام رضا(ع) به مشهد به تاریخ شمسی گزینه مناسبی برای روز ملی مشهد است. اصولی همچنین از اهدای نشان مشهد در روز مشهد خبر داد و گفت: براساس آیین‌نامه اهدای نشان مشهد، هرفردی با هرملیتی و در هرجای دنیا اقدام و عملی برای معرفی و خدمت به مشهد انجام داده است می‌تواند جزو گزینه‌های دریافت‌کننده نشان مشهد باشد. او همچنین تاریخ ۸/۸ و روز ملی توس را از دیگر پیشنهادات طرح‌شده برای نام‌گذاری روز ملی مشهد بیان کرد.

### حمایت از فوتبال، حمایت از هویت اجتماعی

رئیس کمیسیون فرهنگی همچنین در پاسخ به سؤالی درباره دلیل نگاه ویژه شورای پنجم به فوتبال در مقایسه با رشته‌های دیگر ورزشی گفت: نگاه ما به ورزش نگاه اجتماعی است، در بین رشته‌های مختلف ورزشی رشته فوتبال رشته متفاوتی است و در کل دنیا به آن صنعت می‌گویند. او با اشاره به مشکلات تیم پدیده به عنوان تنها نماینده مشهد درباره حمایت شهرداری از این تیم گفت: شهرداری با رویکرد اجتماعی و نشاط‌افزایی و تقویت هویت اجتماعی و انسجام‌بخشی به جامعه مشهد از پدیده حمایت کرد. به گفته اصولی کمک‌های مالی شهرداری به اندازه رقم قرارداد یکی از بازیکنانی که امسال پدیده جذب کرده هم نبوده است. رئیس کمیسیون فرهنگی همچنین حمایت شورا و شهرداری را محدود به فوتبال ندانست و از حمایت از رشته‌هایی چون والیبال و کشتی نیز گفت.

### عملکرد کمیسیون فرهنگی

اصولی در بخش پایانی صحبت‌هایش گزارش عملکردی از فعالیت‌های کمیسیون فرهنگی شورا ارائه کرد. براساس گفته‌های او با آغاز کار این دوره شورا، سهم بودجه اختصاص یافته به موضوعات فرهنگی و اجتماعی در ۵ حوزه سیما و منظر شهری، مأموریت فرهنگی و اجتماعی، فرهنگ شهروندی، زیارت و گردشگری و سلامت اجتماعی افزایش یافته است. همچنین در حوزه‌های مختلف در مجموع در سال ۹۷ به نسبت سال ۹۶، ۴۳.۹۶ درصد و در سال ۹۸ به نسبت سال ۹۷، ۱۱۸.۹۷ درصد رشد داشته‌ایم و در بخش عمرانی در حوزه فرهنگی و اجتماعی نیز در سال ۹۸، شاهد ۱۴۵ درصد رشد بودجه بوده‌ایم. اصلاح رفتار شهروندان یکی دیگر از دغدغه‌های شورای اسلامی شهر مشهد است که جای خود را در سخنان پایانی اصولی در نشست خبری باز کرد. وی خاطرنشان کرد: ما زمانی برنامه آموزش فرهنگ شهروندی را موفق می‌دانیم که شاهد تغییر رفتار شهروندان باشیم. براین اساس در بخش انضباط ترافیک، رعایت حق تقدم عابر پیاده بر روی خط عابر پیاده و همچنین بحث تفکیک زباله از مبدأ ۲ موضوع در نظر گرفته‌شده در بحث فرهنگ شهروندی هستند تا با تمرکز بر آن‌ها بتوان در یک زمان روشن در رفتار شهروندان تغییر را مشاهده کرد.

---

# عادت نداریم

## چرا عموم مخاطبان از تماشای «ما همه با هم هستیم» ناراضی‌اند؟

زندگی با سینما

**محمد عنبرسوزا|** پس از اکران دو کمدی به اصطلاح نازل با فروش چنده میلیاردی در یک سال گذشته، به نظر می‌رسید فیلم طنز و پربازیگر «ما همه با هم هستیم»، جدیدترین ساخته کمال تبریزی، هم در آستانه فصل تابستان، بخش مهم دیگری از بار گیشه را به دوش بکشد. نظر مردم اما پس از بیرون آمدن از سینماها چندان مساعد نبود و عموم مخاطبان از تماشای فیلمی که در تامین رضایتشان ناکام بود، گلایه داشتند. موضوع از این قرار است که مخاطب ایرانی (بالاخص در برهه زمانی کنونی) به تماشای فیلم‌های طنز با قصه‌های ساده یک خطی و طنز مبتنی بر شوخی‌های کلامی موجود در استنداپ کمدی‌ها، خو گرفته است و انتظار دارد در هنگام تماشای یک اثر طنز با بمباران شوخی‌های کلامی عمدتا جنسی که از خطوط قرمز فرهنگی عبور می‌کنند، فرصت نفس کشیدن پیدا نکند و ۹۰دقیقه بی‌وقفه قهقهه بزند. «ما همه با هم هستیم» اما، طنزی کاملا متفاوت است که می‌تواند نویدبخش تغییر ذائقه مخاطب در حوزه کمدی باشد؛ اگرچه این فیلم هم مثل هر اثر دیگری قوت‌ها و ضعف‌های خودش را دارد و نمی‌توان آن را شاهکار نامید.

اساسا جنس شوخی‌های «ما همه با هم هستیم»، صرفا کلامی نیست و طنزهایش درقالب موقعیت به بار می‌نشیند. ضمن اینکه در سرتاسر فیلم هیچ عبوری از خط قرمزها یا پناه بردن به شوخی‌های جنسی و کلمات رکیک دیده نمی‌شود. واضح است که سازندگان این فیلم هم می‌توانستند به راحتی بار طنز را افزایش بدهند و کاراکترها را در شرایطی قرار دهند که مخاطب بیشتر بخندد اما شوخی‌های «ما همه با هم هستیم» تعمدا کنترل‌شده و به‌اندازه طراحی شده‌اند تا بیننده، به‌جز یکی دو مورد، از یک لبخند فراتر نرود و بتواند بر فیلم‌نامه فکر کند و ایده محوری اثر را جدی بگیرد.

فیلم‌نامه «ما همه با هم هستیم» را می‌توان به دو بخش متفاوت تقسیم کرد؛ یک طرف طراحی قصه و ایده محوری قرار دارد که احتمالا حاصل فکر محمد داوودی به‌شمار می‌رود. در این بخش با یک طراحی بی‌نظیر مواجهیم که به‌دلیل بکر بودن و انتخاب هوشمندانه‌اش، می‌توان از آن به‌عنوان نقطه قوت فیلم یاد کرد. در سوی دیگر اما متن فیلم‌نامه است که حسین امیری دوماری و پدرام پورامیری (سازندگان فیلم «جاندار») به رشته تحریر درآورده‌اند و اشکالاتی را متوجه خود کرده‌است. مهم‌تر از همه اینکه قصه در یک ساعت اول، بسیار کند دنبال می‌شود و ریتم آزاردهنده و بی‌محتوای آن حسابی به اثر لطمه می‌زند. اشتباه اساسی در این است که متن فیلم‌نامه، جدی‌ترین حرف‌هایش را حوالی دقیقه پنجاه به زبان می‌آورد زمانی که کسالت حسابی بر او مستولی شده است.

چهره مهم «ما همه با هم هستیم» را باید رضا میرکریمی بدانیم؛ کارگردان باسابقه و خوش‌نام سینمای ایران که در مقام تهیه‌کننده این فیلم، جایگاه بسیار مهمی دارد و حضورش دو وجه مثبت و منفی برای فیلم به‌همراه داشته است. میرکریمی از یک‌سو، به لحاظ فنی، توانسته است تیم کاربلدی را کنار هم جمع کند و همین موضوع باعث شده است که «ما همه با هم هستیم»، برخلاف بیشتر کمدی‌های سال‌های اخیر سینمای ایران که در نکات فنی و جلوه‌های بصری آماتورگونه عمل می‌کنند، به اثری چشم‌نواز مبدل شود. قدرت و حرفه‌ای‌گری تیم فنی در دقایق پایانی و جلوه‌های ویژه بی‌نظیر در سکانس خلیج‌فارس تجلی می‌یابد و وقتی با چیره‌دستی کارگردان همراه می‌شود، با سکانس‌های خوش‌رنگ و لوکیشن‌های متنوع و بدون کات معرفی مسافران، مخاطب را سر ذوق می‌آورد.

اما وجه منفی حضور میرکریمی در مقام تهیه‌کننده، به استخدام بازیگران مربوط است؛ جایی که حرف اصلی فیلم، کاملا زیر سایه بازیگران پرتعداد و نامدارش مدفون می‌شود و اسم‌ورسم بازیگران، بی‌جهت ذهن بیننده را شلوغ می‌کند. «ما همه با هم هستیم» حتی برای کوتاه‌ترین نقش‌هایش هم سراغ چهره‌هایی مانند داریوش کاردان، احسان امانی و اشپیتیم آرفی رفته است که کاملا بی‌مورد و حواس‌پرت‌کن است. حضور تبلیغاتی و ناموجه محمدرضا گلزار هم، که نقش کوتاه و مبهمی در چند سکانس نشسته در پشت میز و به‌عنوان بازیگر نقش خودش دارد، باید به حساب تلاش بی‌فایده تهیه‌کننده برای تضمین گیشه گذاشته شود. علاوه‌بر این، مخاطبی که با تجربه «رحمان ۱۴۰۰» به سینما رفته است تا اثری با محوریت مهران مدیری و گلزار را ببیند، با اثری روبرو می‌شود که بخش اصلی بار بازیگری‌اش را پژمان جمشیدی، ویشکا آسایش و مهران غفوریان به دوش می‌کشند.

---

# آیا «هادی»، «رابین‌هود» تئاتر است؟

**زوزنی|** از همان ابتدا که پا به عرصه هنر گذاشت، در سر، سودای اداره یک تماشاخانه را می‌پروراند ولی شرایط به‌گونه‌ای پیش نمی‌رفت که بتواند آرزویش را محقق کند تااینکه سال ۹۴ با بازی در فیلم سینمایی «ایستاده در غبار» پایش به سینما باز شد و توانست در این چند سال، ۱۱فیلم سینمایی بازی کند. بازی در سینما آن قدر حجازی‌فر را متمکن کرد که بتواند رؤیای دیرینه‌اش را جامه عمل بپوشاند.

او که در صحنه تئاتر هم بازیگر بوده و هم کارگردانی کرده است، یکی از تماشاخانه‌های تعطیل‌شده در پایتخت را بازسازی کرد و نام «هامون» را بر آن نهاد و دیروز صبح هم اصحاب رسانه را به آنجا برد تا به آن‌ها نشان دهد که هادی، رابین‌هود تئاتر است. ظاهرا حجازی‌فر نمی‌تواند از تئاتر دل بکند و باور دارد که تئاتر برایش ارزش افزوده دارد و حالش را خوب می‌کند؛ می‌گوید: سینما هم خوب است، اما جادوی تئاتر چیز دیگری است.

حضور حجازی‌فر در سینما، او را از بازگشت دوباره به تئاتر می‌ترساند ولی ظاهرا نه دست بگذارِ تئاتر را دارد و نه دست بردارِ آن را. او احتمالا با پول‌هایی که از سینما بِه دست آورده است، می‌خواهد رونقی به تئاتر بدهد تا شاید بتواند این بار پیوندی میان نقش‌هایش و صحنه تئاتر برقرار کند. حجازی‌فر در جملاتی به کنایه‌های پرکاری‌اش در سینما نیز پاسخ داده است: «اگر سینما نبود، اصلا رؤیای سالن داشتن به نتیجه نمی‌رسید. امیدوارم رابین‌هودوار از سینما بِکَنم و به تئاتر بیاورم.» بلندپروازی یا برنامه‌ریزی‌های هادی حجازی‌فر به همین‌جا ختم نمی‌شود و او بنا دارد سال آینده یک فیلم جلوی دوربین ببرد و پردیس سینمایی در تهران راه بیندازد. باید منتظر ماند و دید آینده تئاتر چه برخوردی با او خواهد کرد. آیا همچنان که سینما استعدادش را کشف کرد، به او روی خوش نشان می‌دهد یا نه، دوباره در مهجوریت قبل از ورود به سینما فرومی‌رود؟

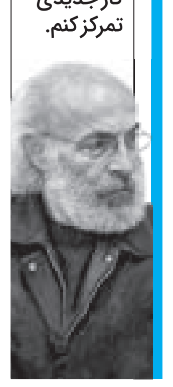

**کیانوش عیاری، کارگردان سینما و تلویزیون: مشکل فیلم «کاناپه» با گفت‌وگو و رایزنی حل‌شدنی نیست و چون حاضر نیستم تغییری در آن بدهم، پس یا فیلم به همین شکل اکران می‌شود یا اکران آن منتفی است. کار جدیدی برای ساخت در ذهن دارم اما سریال «۸۷متر» حداقل به چهار ماه کار برای تکمیل شدن نیاز دارد و تا این کار تمام نشود، نمی‌توانم روی کار جدیدی تمرکز کنم.**